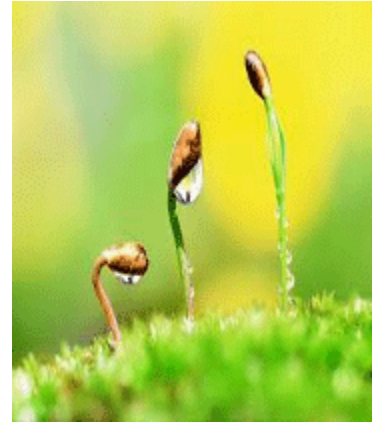


# پرورش خلاقیت دانش آموزان



کودک هنگام تولد میزانی از خلاقیت را با خود به همراه می آورد و در حدود سن ۲ سالگی این خلاقیت نمود ظاهری پیدا می کند.



برای مثال کودک ۲ ساله بر چوبی سوار شده و می گوید این اسبم است. یا با خمیر اشکالی می سازد که از نظر ما بزرگسالان بی معناست ولی برای او ماشین، آدم و چیز دیگری است، کودک پیش دبستانی وقتی قلم به دست می گیرد طرح هایش را آن چنان می کشد که از ذهن خلاقش نشأت گرفته است، خانه نقاشی او با خانه کلیشه ای که ما بزرگسالان در ذهن داریم متفاوت است، او پرشور و خلاق است، با اشیای گوناگون چیزهایی می سازد و در ذهن به آن جان می بخشد و داستان های خیالی می گوید، می خواهد بداند، کشف کند، او کنجکاو است و مشتاق، اما معما اینجاست که چرا این کودکان با استعداد و فعال به بزرگسالانی تبدیل می شوند که از به کارگیری تفکر هوشمند و خلاقیت خود لذت نمی برند، چرا و چگونه زندگی که چنان امیدوارکننده آغاز می شود در اکثر موارد پایانی یأس آور و ناخوشایند دارد؟

**تحقیقات تورنس (۱۹۶۲) نشان داده است که کودکان تا سن ۱۰ سالگی در اوج خلاقیت هستند اما وقتی در شرایط مدرسه قرار می گیرند و از آن ها انتظار می رود که پاسخ های مشخص و قالبی به سوالات بدهند و تحت ارزشیابی قرار می گیرند، خلاقیت آن ها به تدریج کاهش می یابد.**



بنابراین باید سیستم آموزشی مدارس از حالت آموزگار محوری و تاکید بیش از حد به سطح بازگویی، خارج شده و به کودکان در آموزش نحوه تفکر و رسیدن به سطوح بالای شناختی یعنی فراشناخت کمک کند.

بر اساس اهداف منتشره از سوی وزارت آموزش و پرورش، «پرورش استعدادها و کمک به تقویت خلاقیت» یکی از اهداف آموزش و پرورش محسوب می شود و مدارس باید در راستای تحقق این هدف به رشد و پرورش خلاقیت دانش آموزان بپردازند؛ لیکن در اکثر موارد خودآگاه یا ناخودآگاه موجب تضعیف و حتی تضييع خلاقیت می شوند.

از مهم ترین موانع پرورش خلاقیت در مدارس می توان موارد زیر را برشمرد

تاکید بر محفوظات، تکالیف زیاد، عدم توجه به تفاوت های فردی، وجود کلاس های پرجمعیت، انضباط سخت و زورمدارانه، برنامه درسی و جدول ساعات غیر قابل انعطاف برای فعالیت های کلاس، عدم آشنایی معلمان با ویژگی های دانش آموزان خلاق، روش های تدریس سنتی و مبتنی بر معلم محوری، تاکید زیاد بر نمره دانش آموزان به عنوان ملاک خوب بودن، عدم پذیرش ایده های جدید، شخصیت جدی معلم، استهزاء و طعنه، تحت فشار قرار دادن برای همنوایی با دیگران، فرهنگ سکوت در مقابل اظهار نظر معلم، تاکید بر تفکر همگرا به جای تفکر واگرا، عدم تجهیز منابع و امکانات و تکیه بر سطوح اولیه حیطه شناختی.

وجود شرایط فوق الذکر چون سد محکمی در مقابل توسعه خلاقیت دانش‌آموزان خواهد بود و در صورت از بین رفتن این شرایط، خلاقیت ارتقا پیدا خواهد کرد.

در محیط مدرسه عوامل متعددی در خلاقیت دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد که در يك دسته‌بندی کلی به جو حاکم بر مدرسه، محتوا و مواد آموزشی و معلم تقسیم می‌شوند، در اینجا هر کدام را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.



### الف) جو حاکم بر مدرسه

جان دیویی- متفکر بزرگ مسائل تربیتی- معتقد است **مدرسه باید خودکاری دانش‌آموز را تشویق کند** اساس کار مدرسه نباید فقط تبعیت و فرمانبرداری باشد و مقررات را مدار قرار ندهد تا دانش‌آموز بتواند به پرورش خلاقیت بپردازد. در صورتی که در حال حاضر مشکل اساسی مدارس این است که در آن‌ها اندیشه‌های خلاق یادگیرندگان به سبب غیرمعمول بودن، نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرند، بلکه مورد ایراد و سرزنش واقع می‌شوند؛ سرزنش دانش‌آموزان به خاطر داشتن رفتار و افکار غیرقالبی، می‌تواند ریشه‌های تفکر خلاق و توانایی کشف مسائل تازه را در همان روزهای نخستین آموزش مدرسه‌ای در آن‌ها بخشکاند.

اگر بخواهیم خلاقیت دانش‌آموزان را توسعه دهیم و امکان بروز استعدادهای بالقوه را در آنان فراهم سازیم، باید در جو حاکم بر محیط آموزشی تجدیدنظر کنیم. برای مثال، نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که از جای خود تکان نخورند، در طرز نشستن، حرف زدن و لباس پوشیدن‌شان از يك الگوی واحد پیروی کنند، همان پاسخی را به سؤالات بدهند که از نظر معلم تنها پاسخ صحیح است و در عین حال خلاق هم باشند.

البته منظور این نیست که هرچو مرج و بی‌نظمی در مدرسه حاکم باشد، زیرا لازمه هر آموزشی نظم است. هدف برقراری نظم و مقررات قابل انعطاف است. یعنی نظم مربوط به مسائل کلی باشد و جزئیات رفتار و گفتار را تحت تاثیر قرار ندهد. اگر مدرسه به جای جوی سلطه‌جویانه و غیرقابل انعطاف از جوی مناسب و حمایت‌کننده برخوردار باشد، هم معلم با احساس امنیت و آسودگی خیال می‌تواند به ارائه طرح‌های جدید و موثر بپردازد و هم دانش‌آموزان با اعتماد به نفس و ایمنی روان‌شناختی به انجام فعالیت‌های خلاق می‌پردازند.



### ب) محتوا و مواد آموزشی

امروزه در دنیا یکی از مباحثی که در امر یاددهی - یادگیری به شدت روی آن تاکید یاد گرفتن است، نه «چه یاد» می‌شود، یادگیری چگونه «فکر کردن» و چگونه گرفتن». گاهی توجه بیش از حد به «چه یاد گرفتن» سبب می‌شود از نظر کمیت مفاهیم زیادی را در ذهن دانش‌آموزان انباشته کنیم- به آن‌ها ماهی می‌دهیم آن هم به مقدار زیاد که ناچارند مازاد آن را دور بریزند- و توجهی به چگونگی یاد گرفتن آن‌ها و مفید بودن مواد آموخته شده برای زندگی حال و آینده دانش‌آموزان نداشته باشیم. با توجه به این مطالب برای طرح‌ریزی محتوا و مواد آموزشی توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد که عبارتند از:

#### ۱- ایجاد پیوند عاطفی و شناختی با برنامه درسی

دانش‌آموزان زمانی محتوای يك برنامه درسی را به نحو مطلوب یاد می‌گیرند که این محتوا، با توانایی‌های آنان مطابقت داشته باشد، محتوا زمانی قابل یادگیری است که با توجه به دانش پیشین و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان انتخاب شده باشد، در این صورت بین دانش‌آموز و محتوای آموزشی پیوند شناختی برقرار می‌شود. مطالب آموزشی باید برای فرد مفید باشد- یعنی یاد گرفتن و یاد نگرفتنش یکسان نباشد- اگر دانش برای دانش‌آموز معنادار بوده از زندگی او نشأت گرفته باشد و برای آینده او مفید باشد، با اطمینان می‌توان گفت پیوند عاطفی بین فراگیر و برنامه درسی پیوند عاطفی برقرار شده است.

#### ۲- فرصت مناسب برای فعالیت یادگیری چندگانه

تدارك فرصت‌های یادگیری، توصیف‌کننده جوی از یادگیری است که طی آن دانش‌آموزان به طیفی از معانی و مفاهیم دست می‌یابند. فرصت‌های یادگیری ارائه شده باید زمینه‌های خوداتکایی و خودآموزی دانش‌آموزان را فراهم سازد. توجه به این

نکته ضروری به نظر می‌رسد که محتوا نباید بر «دانش نظری» تمرکز داشته باشد، بلکه توجه به عنصر فعالیت‌ها و مهارت‌ها دانش‌آموز را از نظر روانی آماده یادگیری مداوم و خلاق می‌کند.

### ۳- ارتباط محیط کلاس با محتوا و ضوابط برنامه

در تنظیم محتوا بر اینکه باید شرایط و ویژگی‌های محیط کلاس، مورد توجه دقیق برنامه‌ریز قرار گیرد، باید زمان و بودجه کافی جهت اجرای مناسب برنامه مطلوب اختصاص داده شود.

### ارتباط مواد آموزشی و محتوا

امروزه در برنامه‌ریزی درسی بسته‌های آموزشی شامل کتاب درسی، کتاب‌های کمک‌آموزشی، وسایل آموزشی، سؤالات ارزشیابی و راهنمای درسی همه با هم در نظر گرفته می‌شوند، در بسیاری از کتاب‌های درستی تحولات مثبتی در حال رخ دادن است و اندکی از برنامه‌های تلویزیونی سعی دارند در راستای برنامه‌های آموزش و پرورش گام بردارند اما باید توجه این بسته‌های آموزشی باید در اختیار همه مدارس داشت که همگام با تحولات کتاب‌های درسی و به طور کلی بسته آموزشی قرار گیرد) معلمان نیز باید آمادگی و مهارت لازم جهت ارائه محتوای مطلوب را کسب کنند، چرا که یک طرح مطلوب و خلاق زمانی موفق است که به اجرا درآید. نمی‌توان دروسی را که برای الگوهای تدریس فعال طرح‌ریزی شده با روش سنتی و معلم محور اجرا کرد و انتظار موفقیت داشت.

### ج) معلم

معلمان در فرآیند یاددهی-یادگیری و ایجاد تفکر خلاق در دانش‌آموزان دارای نقش اساسی هستند. خلاقیت معلم، نگرش وی نسبت به خلاقیت، سبک تدریس، شیوه اداره کلاس و حتی شخصیت معلم در پرورش تفکر خلاق و ایجاد تفکر انتقادی نسبت به مسائل دانش‌آموزان تاثیر فراوانی دارد. در واقع موثرترین و کارسازترین مولفه نظام تعلیم و تربیت معلم است. این بدان معنا نیست که سایر مولفه‌های نظام تعلیم و تربیت از قبیل برنامه درسی، مدیریت و... بی‌تاثیر است، بلکه اولاً تاثیرگذاری این مولفه‌ها با معلم برابری نمی‌کند و ثانیاً این تاثیرگذاری نوعاً به صورت مستقیم نبوده و با عبور از صافی معلم که مرکب از ذهنیت‌ها، نگرش‌ها و قابلیت‌های اوست، نهایتاً بر دانش‌آموز تاثیر می‌گذارد. همچنان که بیان شد معلم از ابعاد و جنبه‌های مختلف در شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان موثر است. به همین جهت در ادامه بحث این جنبه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### نحوه نگرش معلم – 1

نگرش و دیدگاه معلم نقش مهمی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند. اکثر معلمان از شاگرد بسیار سازگار که اجتماعی، با ادب و خویشن‌دار و مطیع قدرت است، خشنود و راضی هستند. در مقابل دانش‌آموزان خلاق به سبب آن که سؤالات متعدد مطرح می‌کند، قوه تخیل فوق‌العاده دارند، با جمع هماهنگ نیستند، اغلب در دسرافزین هستند و به طور کلی رفتارشان قابل پیش‌بینی نیست، مورد استقبال معلمان قرار نمی‌گیرند.



بر اساس یافته‌های گتزلز و جکسون شاگردانی که تفکر و اگرایی بالاتری دارند کمتر از همگراها محبوب معلمان هستند؛ شاید افکار و اگرایی اغلب مبتکرانه و ارزشمند باشند، از سوی دیگر ممکن است عجیب و احمقانه به نظر برسند و سبب شوند که معلم شك کند که شاید کودک می‌خواهد بازی درآورد، در نتیجه این برداشت نه تنها از ابتکار استقبال نمی‌شود بلکه سرکوب نیز می‌شود.

هم چنین برونر می‌گوید که معلمان در آموزش و پرورش عادت دارند که به پاسخ‌های درست پاداش دهند و پاسخ‌های غلط را مجازات کنند.

این امر سبب می‌شود کودکان میلی به تلاش برای یافتن پاسخ‌های بدیع نداشته باشند، زیرا بهترین دید با انجام این کار احتمال خطا بیش تر می‌شود. معلم باید آماده کار در حال و هوایی باشد که تلاش‌های خلاق در آن تشویق می‌شوند و پاداش می‌گیرند، نه در محیطی که فقط راه‌حل‌های محتاطانه و همگرا تشویق می‌شوند.

## نقش الگویی معلم – 2

آرتور کاترین و رابرت بی‌ساند معتقدند که معلمانی که از خود رفتار خلاق نشان می‌دهند، محیط‌های کلاس درسی به وجود می‌آورند که خلاقیت را ارتقا می‌دهد. به علاوه آمابیل (۱۹۸۹) معتقد است که معلمان با بیان آزاد احساس خویش مانند عشق، شادی و کنجکاوی نسبت به امور می‌توانند الگوی مناسبی برای کودکان باشند. در واقع معلم نواندیش به صورت خودبه‌خودی دانش‌آموز خود را نواندیش می‌کند؛ یعنی روحیه، احساس، عاطفه و انگیزه پرورش و خروش را به دانش‌آموز انتقال می‌دهد. در اصل حتی اگر معلم به دانش‌آموز چنین صفت یا خصلتی را انتقال ندهد، خود دانش‌آموز چنین روحیه مثبتی را از معلم می‌گیرد و شاید سرایت چنین خوی و خصلتی از سوی معلم به دانش‌آموز برخاسته از اصل سرایت روانی است. پس چه انتقال خودآگاه و چه انتقال ناخودآگاه چنین توانمندی‌ای هر دو موجب پرورش نواندیشی و نوآوری شاگرد می‌شود البته این بدان معنا نیست که آموزگاران که خود خلاق نیستند نمی‌توانند خلاقیت را در دانش‌آموزان تشویق کنند، بلکه هر آموزگاری می‌تواند کوشش کند خلاقیت را در دانش‌آموز بازشناسی و فرصت‌هایی برای وقوع آن فراهم سازد.

## نقش عاطفی معلم – 3

ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت، مستلزم وجود جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس است. دانش‌آموز باید بتواند با آسودگی در کلاس به اظهار نظر بپردازد و بدون نگرانی هر سؤالی را که در ذهن دارد مطرح کند.



معلمان خشک، مقرراتی و مستبد- آن‌ها که دانش‌آموزان را برای صحیح نشستن در نیمکت‌های منظم و مستقیم ردیف شده و محکم نگهداشتن پاها روی زمین تشویق می‌کنند- با مجبور کردن دانش‌آموز به اطاعت زیاد از مقررات قراردادی و تنبیه کارهای اشتباه کودکی که می‌خواهد به ناشناخته‌ها دسترسی یابد خلاقیت را خاموش می‌کنند. آن‌ها با عدم توجه و یا پاسخ ندادن به سؤالات، پرسش‌گرایی لذت‌بخش کودکان خردسال را خرد می‌کنند. با توجه به مطلب فوق، نظام آموزش و پرورش زمانی موفق به پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان و به تبع آن پرورش نیروی انسانی کارآمد و خلاق برای جامعه خواهد شد که با تمام توان فرهنگی و امکانات اقتصادی برای حذف موانع موجود در مسیر پرورش خلاقیت اقدام کند.

مشاور مجتمع آموزشی آداب